

به نام خدا

گزارشی از کتاب «قراءات في المنظومة المعرفية للسيد كمال الحيدري» (سیری اجمالی در منظومه

فکری آیت الله حیدری) [در ۵ جلد]

عباسعلی تقوی

«مؤسسة الإمام الجواد (ع) للفکر و الثقافة» (مؤسسة علمی و فرهنگی امام جواد ع) در ابتکاری جالب، تلاشی سودمند و همتی بلند، مجموعه ای را تحت عنوان: «قراءات في المنظومة المعرفية للسيد كمال الحيدري» در پنج جلد تدوین و منتشر کرده است. این مجموعه را - که به قلم برخی از شاگردان، عالمان و اندیشوران آشنا با آثار و تفکرات حضرت آیت الله سید کمال حیدری نگاشته شده - می توان به عنوان بهترین راه برای شناسایی و شناساندن مبانی، مواضع، آراء و عقائد ایشان در ابعاد مختلف، قلمداد کرد.

در نگارش این مجموعه، بیست و شش نفر از محققان و نویسندگان مشارکت کرده و پژوهش هایی خواندنی و ماندنی را بر پایه آثار و تقریرات درس های آقای حیدری انجام داده، و از این طریق دیدگاه های وی را از دیرینه ترین تا جدیدترین آن ها، گزارش و تحلیل کرده اند.

مجموعه یادشده، در این وانفسای شایعه گستری و تکیه و اعتماد بر پدیده پلید و تباهی آفرینی با عنوان «می گویند» و «گفته می شود»!! و ... می تواند سهل الوصول ترین آینه تمام نمای اندیشه ها و مواضع محقق عالیقدر آیت الله حیدری باشد. دامنه آثار آقای حیدری گسترده است؛ به گستردگی ابعاد تمدن اسلامی و تفکر دینی. نگاشته ها (درس هایی که تقریر شده و به صورت مکتوب عرضه شده است)، آراء و اندیشه های وی ابعاد گسترده عقائد، اخلاق، فقه، اصول، اجتماعیات، سیاسیات، فلسفه، کلام، تفسیر، حدیث، عرفان، معرفت

شناسی و ... را درنور دیده و مجموعه ای سترگ را در نمایاندن ابعاد فرهنگ اسلامی رقم زده است.

اکنون فضای صفحات مجازی و شایعه های محافلی درباره آراء ایشان بسیار داغ است و استناد ها غالباً به «قطعه های بریده شده از گفتارها»، «نگاشته ها»، درس ها و درون مایه به اصطلاح «گعده ها» است! و روشن است که این گمانه ها و پندارهای برآمده از «بریده ها»، «لا یغنی من الحق شیئاً» و بی اعتبار است!

اکنون مجموعه ای عظیم با تحلیل و گزارش هایی استوار - غالباً به قلم کسانی که در درس ها و بحثهای استاد حضور داشته و برخی از این آثار را تقریر و تدوین کرده اند - در اختیار قرار گرفته و شایسته است آنان که قصد اظهار نظر دارند و می خواهند درباره افکار، اندیشه ها و مواضع آیت الله حیدری سخن بگویند و موضع بگیرند، اما - احیاناً - حوصله مطالعه تفصیلی آثار و کتاب ها و نیز اندیشیدن درباره آن ها را ندارند، به این مجموعه بنگرند و به درستی دریابند که آیا آنچه از این طرف و آن طرف گفته می شود و می گویند و یا غالباً می شنوند، دقیق و استوار است یا نه؟! بالأخره اینگونه افراد عمدتاً اهل فنّ و تخصص اند و قاعدتاً می دانند که: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»؛ اِسراء / ۳۶.

و مبادا که در حوزه های علوم اسلامی و گستره فضای دانشوری و آگاهی، با جو سازی ها و غوغا سالاری ها، بخش عظیمی از امکانات و فرصت ها بر سر مواردی به باد رود که نتیجه ای جز جلوگیری از نشر اندیشه ها و ایجاد فضای دلهره آور و هول و هراس در بر ندارد! و صد البته که هیچ کس ادعای «جامه عصمت بر قامت اندیشه خود» ندارد و روشن است که «من الّف فقد استُهدف» و ... (کسی که تألیف کند، مورد نقد قرار می گیرد).

و آنکه می اندیشد، می نویسد و افکارش را نشر می دهد، طبعاً منتظر نقد و بررسی و تحلیل آراء و دیدگاه هایش نیز خواهد بود؛ آیا بهتر نیست ناقدان و دغدغه مندان به جای غوغا آفرینی و جوسازی ها، به تحلیل علمی و مستدل آراء پردازند و از صاحبان اندیشه - همه و همه، و روشن است که آقای حیدری فقط یک مصداق است - بخواهند که دلایل خویش را ارائه دهند؟ و بنویسند که خطاها، فرازها و فرودهای آثار و آراء و ... کجاست ... و نه اینکه با تکیه بر قیل و قال ها! موضع بگیرند، متهم سازند و ...

اکنون با نگاهی گذرا درون مایه این مجموعه را با اشاراتی گویا به چگونگی ها و ... گزارش می کنم.

در مجلد اول ده مقاله آمده است که در آن ها به زندگی نامه، شخصیت علمی و پژوهشی، و چگونگی اندیشه ورزی و روش شناسی پژوهشی آیت الله حیدری اشاره شده است. در ادامه، مقاله بسیار مهم، مفید و خواندنی «من اسلام محورية الحديث إلى اسلام محورية القرآن» به قلم آقای دکتر طلال الحسن آمده است که بی گمان بیشتر از هر کسی با اندیشه، آثار و پژوهش های آقای حیدری آشناست. آقای طلال الحسن به روشنی در این مقاله موضع استاد را در پیوند «قرآن و حدیث» با طرح «محورية القرآن و مدارية السنة» نشان داده است؛ بدین بیان که اندیشه وی قرآن محور است و قرآن بنیاد استواری است برای فهم دین در تمام معارف؛ و سنت جایگاه بلند و مهمی دارد، اما پس از احراز صدور؛ و قرآن مهمترین معیار و میزان برای پذیرش روایات و ... این مقاله به خوبی نشان می دهد که معارف اهل بیت (ع) در نگاه آیت الله حیدری تا چه اندازه مهم و کار آمد است اما «بشرطها و شروطها»: دقت، تأمل، بررسی و رسیدن به واقع استوار و دقت در روایات و آنگاه استناد. از جمله مقالات خواندنی در این جلد، مقاله «الإسرائيليات فی موروثنا الروایي...» است. نفوذ اسرائیلیات (با تمام ابعاد و اضلاع آن) در مصادر اسلامی بویژه تفسیر، انکار ناکردنی است. اما سوگمندان همواره چنین

است که «چون غرض می آید هنر پوشیده می شود». هدف گیری طعن بر علامه حیدری باعث شده است تا افراد بسیاری بر این طبل تو خالی بکوبند که وی گفته است میراث ما آکنده از «اسرائیلیات» است اما این مقاله نشان می دهد که موضع وی در این مورد بسیار احتیاط آمیزتر از موضع عالمان و مفسرانی چون علامه طباطبایی و حضرات آیات معرفت، سبحانی و ... و حتی برخی که این نسبت را به حضرت استاد می داده اند (ج ۱، ص ۲۲۷-۲۳۵). مقالات دیگر نیز خواندنی است: ولایت فقیه، مرجعیت دینی، بنیادها و معارف اسلامی، چگونگی تعامل با روایات و

با اینکه بنای این نوشتار بر اجمال و اختصار است، اما از اندکی تفصیل درباره سه مقاله نمی توانم در گذرم.

1- مع السید کمال الحیدری فی مشروعه للمرجعية

2- الإسلام القرآني بين السيد الحيدري و جورج طرابيشي

3- دراسة توصيفية لمشروع اسلام محورية القرآن.

در مقاله اول، نویسنده دیدگاه آقای حیدری را که «فقه» در ادبیات دینی فراتر از «حلال و حرام است» و فقیه برای اینکه در جایگاه «دژ استوار» برای حفاظت از دین قرار گیرد: (الفقهاء حصون الإسلام) باید به مجموعه معارف دینی آگاهی های گسترده داشته باشد، تبیین کرده است. باری این دیدگاه را از عالمان، فقیهان و متفکران بزرگی چون فیض کاشانی، شهید سید محمد باقر صدر، شیخ محمد مهدی شمس الدین، امام خمینی و ... نیز گزارش کرده است؛ همین نویسنده ابعاد این بحث را در مقاله ای دیگر با عنوان «ولایة الفقیه و المرجعية الدینیة» کاویده و ضمن تبیین دیدگاه استاد درباره ولایت فقیه و پیوند آن با مرجعیت دینی، ضرورت اطلاع گسترده فقیه از ابعاد تفکر اسلامی را تحلیل و گزارش کرده است.

در مقاله دوم، نویسنده کوشیده است تا وجوه افتراق محتوای کتاب طرابیسی، با عنوان «من اسلام القرآن الی اسلام الحدیث» را با عنوان برگزیده استاد یعنی «من اسلام الحدیث الی اسلام القرآن» گزارش کند، با تأکید بر اینکه استاد آن کتاب را دیده و بدان توجه داشته است، اما اینکه برخی صرفاً همانندی در عنوان را (که دقیقاً همانند هم نیست) نشان آن گرفته اند که آقای حیدری با اثرپذیری از طرابیسی موضوع را مطرح کرده، نه درست است و شایسته جنجال!

شگفتا اولاً وی این عنوان را سال ها پیشتر از آنکه کتاب طرابیسی نشر یابد در درس ها و بحث های خود مطرح کرده است. ثانیاً اندک همانندی عنوان ها مگر جرم است؟! و ثالثاً بزرگواران چون «حقیقت را نیافتند چرا ره افسانه زدند» و بدون تأمل در محتوای دو کتاب موضع گرفته اند؟! (ج ۱/۲۰۶-۲۲۲) آیا شایسته نبود اندکی از زمانی را که در محافل آنچنانی به کشف نتایج این همانندی صرف کرده اند، کتاب ها را می خواندند و مقابله می کردند، آنگاه در می یافتند که «هر گردی گردو نیست»!

پیشتر آوردم که دکتر طلال الحسن در مقاله ای بلند و روشنگرانه موضع آقای حیدری را در «چگونگی پیوند قرآن و سنت» بیان نموده است. وی در مقاله ای دیگر، محتوی سه کتاب را

(۱- الموروث الروائي بين النشأة والتأثير ۲- میزان تصحیح الموروث الروائي ۳- مفاصل اصلاح الفكر الشيعي) تحلیل و گزارش کرده است. شایسته است کسانی که حوصله و فرصت خواندن آن سه کتاب را ندارند، حداقل این مقاله را مطالعه کنند. آخرین مقاله این مجلد نیز درباره روش شناسی تفسیری آقای حیدری است، کوتاه اما دقیق و روشنگر.

جلد دوم این مجموعه، در ادامه آخرین مقاله جلد اول، با مقاله ای تحت عنوان «الدلالة القرآنية في فكر السيد كمال الحيدري» - که به تبیین روش و آراء تفسیری و علوم قرآنی آیت الله

حیدری پرداخته - آغاز شده و با معرفی کتاب «اللباب فی تفسیر الكتاب» ادامه می یابد و پس از آن دو، معرفی کتاب مهم «منطق فهم القرآن» است و بحثی درباره تأویل و ...

مقاله هفتم از مباحث قرآنی، بازگشتی است به کتاب «تأمل فی دلالة النصّ القرآنی، قراءة فی أبحاث السید کمال الحیدری».

این کتاب که رساله دکتری نویسنده مقاله است، بر پایه آراء آقای حیدری نگاشته شده و کتابی است خواندنی و ارجمند. پیوند بین لفظ و معنی، پدیده تکرار در متن قرآنی، تناسب و انسجام در مفردات آیات و آیات سوره ها و ... از جمله بحث های شایان توجه کتاب است.

عنوان چهارم از پژوهش هایی که در این بخش از جلد دوم آغاز می شود، «العقائد و الکلام» است. ضرورت ها و اولویت های روش شناسی در معارف دین، روش شناسی اعتقادی در دیدگاه علامه حیدری و ... از جمله بحث های این بخش است.

این جلد با معرفی دو کتاب بسیار مهم آقای حیدری پایان می پذیرد:

1- معالم الإسلام الأموي

2- التدابير النبوية لحفظ الرسالة الإلهية

شایسته است کسانی که در فضای «تاریک و روشن»! ایجاد شده درباره آقای حیدری بدون مراجعه مستقیم به آثار و نگاشته های او داوری می کنند، دست کم این دو کتاب و یا لا اقل این دو مقاله را بخوانند.

کتاب اسلام اموی گسترش دهنده این دیدگاه است که «حزب طلقاء» هرگز به «دین محمدی» ایمان نیاوردند و تلاش کردند با قرار گرفتن زیر لوای اسلام، «اندیشه جاهلی سفیانی اموی» را

گسترش دهند؛ چگونگی شکل گیری این اندیشه و تداوم آن تا به امروز، در این کتاب و برخی دیگر از عناوین آثار وی، به روشنی تحلیل و گزارش شده است.

و کتاب دوم که تحلیل و گزارش چاره اندیشی ها، تلاش ها و روشنگری های رسول الله (ص) است، برای حفظ تداوم خلافت الهی و امامت علوی که دقیقاً در جهت دین الهی - محمدی، بسیار خواندنی است. نقشه های ویرانگر «حزب طلقاء» و «اسلام اموی» در برابر تدابیر نبوی حیرت آور است. نقش فاطمه اطهر (س) در چهره نمایی از این جریان ضد حق و ستیزنده با «خلافت حق و حق خلافت»، شایان توجه است.

رسول الله (ص) در روزگاری که مردمان را هدایت می کرده و مؤمنان را به اهداف والای دین رهنمون می شده است، از امیر مؤمنان (ع) بارها چهره نمایی کرده است و او را در برترین جایگاه رهبری نشانده است و همواره تأکید کرده است که این همه بزرگداشت و تجلیل از امام علی (ع) به دستور خداوند و وحی الهی است. رسول الله (ص) از فاطمه اطهر (س) بسی سخن گفته و او را برترین زنان جهان علی الإطلاق معرفی کرده است. مهرورزی به آن بانوی اطهر (س) را مهرورزی به خداوند و رسول الله تلقی کرده است تا فردا و فرداها کلام و بیان و خطابه و موضع آن حقیقت گستر بزرگ و فریادگر راستین مدافع از «حق خلافت و خلافت حق»، در جان ها بنشیند و مردمان بشنوند و بپذیرند.

در همین سمت و سو و برای آشکار نمودن حقیقت امامت و نشان دادن جایگاه والای «ولایت علوی»، کتاب بسیار مهم دیگری با نام «مطارحات فی الإمامة» معرفی شده است؛ به ویژه با بحث ارجمند و بیدار گر «حدیث منزلت» با نگرش نو و تحلیل و گزارش بدیع و بی مانند (ج ۳، ص ۴۴۱-۴۵۴).

اگر بدین گونه و اگرچه با نگاهی بسیار گذرا به بحث های نوین و دیده گشا که در این مجلدات بر پایه آثار استاد آمده است پیش رویم، نگاشته طولانی خواهد شد. از این روی دامنه

سخن بر می چینم با اشاراتی سریع و صریح و ... در جلد سوم از «فقه العقيدة» سخن رفته است. و نیز کتاب دو جلدی «معرفة الله» و آنگاه گزارش کتاب «حدیث الثقلین ...» است که رساله دکتری است بر اساس آثار آقای حیدری.

کتاب «السلطة وصناعة الوضع والتأويل» ادامه کتاب «اسلام اموی» در جهت نمایاندن زندگانی معاویه و نقش آفرینی او در احیاء جاهلیت و اندیشه سفیانی - اموی است. این کتاب خواندنی است و تأمل بر انگیز و نشانگر اینکه چگونه معاویه با برنامه ریزی و به کار گیری افراد بسیاری از محدثان و مفسران و ... اندیشه های جاهلی - اموی را در ظاهری از اسلام، در جامعه اسلامی گستراند و با وضع و جعل ده ها روایت، پایه های حاکمیت عثمانی را استوار کرد.

کتاب «المعاد رؤیة قرآنية» نگاهی است تفصیلی به بحث معاد. به دیگر سخن، تفسیری است موضوعی از آیات مرتبط با معاد.

معرفی کتاب «علم الإمام» در مقاله ای دراز دامن آمده است. این کتاب مفصل ترین کتابی است که علم امام را به گونه مستقل به کاوش نهاده است. گزارش کتاب «التوحيد عند الشيخ ابن تیمیة» در ادامه دو کتاب «معالم الإسلام الأموي» و «السلطة وصناعة الوضع والتأويل»، منظومه ای است که بیانگر چگونگی آغاز اسلام اموی و نشر و گسترش و استوار سازی آن با سیاست ها و برنامه ریزی های معاویه، و در ادامه و سیر تاریخی خود، مستند سازی و موجه ساختن ابعاد آن با «توجیه های نا موجه از سوی ابن تیمیه و ...» می باشد. این سه کتاب که گویا به زودی به زبان فارسی نشر خواهند یافت، در جهت روشنگری ریشه ها و بسترهای اسلام اموی و نگرش «تکفیری» و «داعشی» بسیار مهم است.

گزارش کتاب «شرح باب حادی عشر»، «اعجاز» «عصمت پیامبران»، «ولایت تکوینی» و دانشنامه مفصل «عدل الهی» و کتاب تأمل برانگیز «فلسفه دین»، مقاله های دیگر جلد سوم است برای معرفی کتاب های یاد شده.

بخش مهمی از پژوهش ها، تدریس ها و تقریرات استاد را بحث های مرتبط با روش شناسی، شناسایی و شناساندن مکتب های گوناگون، تحلیل دیدگاه های جدید درباره دین و فلسفه دین تشکیل می دهد و در همین سمت و سواست بحث های عرفانی، فلسفی و کلامی آیت الله حیدری. مقالات جلد چهارم در جهت معرفی کتاب «شرح تمهید القواعد»، گزارش مفصل دیدگاه علامه حیدری درباره «اصالت وجود»، معرفی کتاب شایان توجه «العرفان الشیعی»، و نیز آثاری در جهت مباحث اخلاقی مانند: توجه، تقوی، مبادی و شیوه های سیر و سلوک و ... می باشد.

آیت الله حیدری دانش آموخته حوزه های علمیه کربلا، نجف و قم هستند. ایشان در آموزش و فراگیری علوم مختلف اسلامی، بسیار سختکوش بوده و از میان دانش های متعدد، گویا توجه و علاقه وی به قرآن و تفسیر، بیش از سایر علوم بوده است. وی در تعلیم و تعلم تنها به فقه و اصول بسنده نکرده، بلکه چنانکه پیشتر آوردیم، آموزش، تعلیم و تعلم و پژوهش را به تمام ابعاد فرهنگ اسلامی کشانده است.

با اینهمه و با توجه به روند کلی حوزه های علمیه، بخش مهمی از آثار استاد را نگاشته ها و تقریرات فقهی و اصولی تشکیل داده است. جلد پنجم این مجموعه، گزارش آثار فقهی و اصولی و نیز برخی از نگاشته های مرتبط به آن دو دانش است. در این مجلد مقالاتی درباره روش شناسی پژوهش های فقهی وی نیز آمده است. زمان و مکان و اثرگذاری آن دو در فرایند استنباط و اجتهاد، معرفی کتاب «ارباح المكاسب» و شرح «حلقات» شهید صدر (ره) و ... از جمله مقالات این مجلد است.

استاد در کتاب «بحوث في فقه عقد البيع» به درستی بر فقیه بزرگ شیخ اعظم انصاری (ره) خرده گرفته اند که ای کاش اثر گران سنگ مکاسب را با بنیاد گذاری اصول کلی «معاملات» بر اساس قرآن آغاز می کردند و به چهار روایت و بسنده نمی کردند. بدین سان خود در این مجلد اهمیت بیع و داد و ستد را آشکار ساخته و اصول کلی حاکم را رقم زده و آن گاه بحث را ادامه داده اند.

راقم این سطور بسیار کوشیدم تا محتوا و مضمون این مجموعه گرانقدر، مفید و شایسته تأمل را در صفحاتی اندک معرفی و گزارش کنم، اما قدری به تفصیل گرایید. بیشتر سعی کردم تأکید کنم بر مقالات مرتبط با آثار استاد بویژه در مواردی که صحنه گفتگوها و جدال هاست و می تواند راهی باشد به روشنایی، و مقدمه برای داوری در فضایی آرام و شفاف تا دیده شود تمام آنچه باید دیده شود، و داوری گردد آنگونه که باید حق نمایان شود.